Archive of SID

Bioethics Journal, **Special Issue on Bioethics and Citizenship Rights 2020; 159-172**

Original Article

Legal Guarantees of Citizenship Education within the Framework of the Iranian Legal System

Eisa Ardalan[1], Ebrahim Yaghouti[2*], Mohammad Javad Javid[3]

1. Jurisprudence and Basics of Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Jurisprudence and Basics of Islamic Law Department, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: Yaghouti2010@yahoo.com
3. Professor, Department of Public Law, Faculty of Law, University of Tehran, Tehran, Iran.

Received: 5 Apr 2020 Accepted: 15 Aug 2020

Abstract

Background and Aim: Citizenship rights and education of its basics and various dimensions is one of the necessities of today's societies. This is because today's societies often consider citizenship rights as an important dimension in politics. In this regard, the present study seeks to examine the legal guarantees of citizenship education within the framework of the Iranian legal system.

Materials and Methods: The method of the present research is descriptive-analytical which has collected the materials in the form of documents and libraries and has analyzed them in an argumentative and inferential manner.

Findings: Citizenship rights education has clear principles and dimensions in Iranian domestic law. Hence, it is a guarantee for its expansion. Education in schools, higher education centers and mass media is a basic necessity for the development of citizenship rights within the framework of the Iranian legal system.

Conclusion: Focusing on justice, individual and social freedom, the right to free education, civil, political, economic and social rights in the framework of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, are the guarantors for the realization of civil rights education. Therefore, civil society and non-governmental organizations should have a more effective position in civil rights education, and even in religious ways and in the form of charitable institutions; they can promote citizenship rights in theoretical and practical dimensions. In-service education in schools and universities is a basic necessity for guaranteeing citizenship rights and for the emergence of citizenship rights stemming from the Constitution and the Charter of Citizenship Rights.

Keywords: Citizenship Rights; Legal Guarantees; Iranian Legal System; Citizenship Education

Please cite this article as Ardalan E, Yaghouti E, Javad Javid M. Legal Guarantees of Citizenship Education within the Framework of the Iranian Legal System**.** *Bioethics Journal*, Special Issue on Bioethics and Citizenship Rights 2020; 159-172.

www.SID.ir

Archive of SID

مقاله پژوهشی

تضمینات حقوقی آموزش شهروندی در چارچوب نظام حقوقی ایران

عیسی اردلان[۱]، ابراهیم یاقوتی[۲*]، محمدجواد جاوید[۳]

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: Yaghouti2010@yahoo.com

۳. استاد گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۹/۱/۱۷ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۲۵

چکیده

زمینه و هدف: حقوق شهروندی و آموزش مبانی و ابعاد مختلف آن یکی از ضرورت‌های جوامع امروزی است. به این دلیل که جوامع امروزی غالباً حقوق شهروندی را به عنوان یک بُعد مهم در سیاست‌ورزی به حساب می‌آورند. در همین راستا، پژوهش حاضر درصدد است تا به بررسی تضمینات حقوقی آموزش شهروندی در چارچوب نظام حقوقی ایران بپردازد.

مواد و روش‌ها: روش پژوهش حاضر توصیفی ـ تحلیلی است که مطالب را به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری نموده و به شیوه استدلالی و استنتاجی تجزیه و تحلیل نموده است.

یافته‌ها: آموزش حقوق شهروندی دارای مبانی و ابعاد روشنی در حقوق داخلی ایران است. از این رو تضمینی برای گسترش ابعاد آن به شمار می‌رود. آموزش در مدارس، مراکز آموزش عالی و رسانه‌های جمعی یک ضرورت اساسی برای گسترش حقوق شهروندی در چارچوب نظام حقوقی ایران است.

نتیجه‌گیری: محوریت‌داشتن عدالت، آزادی فردی و اجتماعی، حق بهره‌مندی از آموزش رایگان، حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در قالب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ضامنی برای تحقق آموزش حقوق شهروندی محسوب می‌شوند. بنابراین جامعه مدنی و نهادهای غیر دولتی در آموزش حقوق شهروندی می‌بایست از جایگاه مؤثرتری برخوردار گردند و حتی به شیوه‌های مذهبی و در قالب مؤسسات و نهادهای خیریه می‌توانند باعث ترویج حقوق شهروندی در ابعاد نظری و عملی گردند. آموزش‌های ضمن خدمت در مدارس و دانشگاه‌ها یک ضرورت اساسی برای تضمین حقوق شهروندی و به منصه ظهوررساندن حقوق شهروندی منبعث از قانون اساسی و منشور حقوق شهروندی است.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی؛ تضمینات حقوقی؛ نظام حقوقی ایران؛ آموزش شهروندی

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

امروزه آموزش یکی از نیازهای اساسی بشر معاصر به شمار می‌رود که در ابعاد مختلف رسمی و غیر رسمی دنبال می‌شود. آموزش رسمی شامل مدارس، دانشگاه، مراکز علمی و آکادمیک است و آموزش غیر رسمی به نقش رسانه‌های جمعی، شبکه‌های اجتماعی و... اشاره دارد که می‌تواند فرایند زندگی انسان و جامعه را تحت تأثیر خود قرار دهد. یکی از موضوعاتی که امروزه ارتباط تنگاتنگی با آموزش پیدا کرده است، حقوق شهروندی است. حقوق شهروندی دارای ابعاد مختلفی نظیر حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که در هر جامعه، بنا بر ضرورت‌ها و اهداف آن می‌تواند جلوه‌ها و چهره‌های مختلفی داشته باشد. این مسأله در نظام حقوقی ایران هم به شکل رسمی و هم به شکل غیر رسمی و در قالب حقوق بشر اسلامی به آحاد مختلف جامعه آموزش داده می‌شود. بنابراین هرچند در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق شهروندی مورد بحث واقع نشده است، اما ابعاد مختلف حقوق شهروندی و همچنین مسأله آموزش به شکل قابل توجهی، نمایان است.

مطابق آموزه‌های اسلامی و از جمله حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران، انسان به عنوان موجود متفکر و اندیشمند برای این که بتواند در اجتماع زندگی کند، باید از حق آموزش و پرورش برخوردار شود. همچنین حقوق فردی و اجتماعی وی نیز مورد توجه قرار گیرد. به این دلیل که شکل‌گیری و گسترش آموزش و نظام‌های آموزشی در جوامع انسانی ناشی از مقتضیات و مطالبات فردی، فطری و طبیعی افراد جامعه است و نادیده‌گرفتن آن خسارات مادی و معنوی زیادی را بر جامعه تحمیل می‌نماید. مطابق آموزه‌های حقوق شهروندی، هر فردی ذاتاً میل به آگاهی و دانایی دارد، هم‌چنانکه این حق برخاسته از نیازها و ضرورهای زندگی مدنی و اجتماعی انسان است و هدف اصلی آموزش و پرورش از جهت فردی شکوفاکردن شخصیت و استعدادهای افراد بشر است و از جهت جمعی یا اجتماعی آن عبارت از ایجاد روحیه تفاهم، هم‌پذیری، هم‌گرایی، مدارا و دوستی اقوام و ملت‌هاست. به هر ترتیب مسأله حقوق شهروندی و آموزش آن برای زندگی سالم فردی و اجتماعی یک ضرورت و نیازی اساسی است. اهمیت پژوهش حاضر از آن رو است که بحث آموزش شهروندی در چارچوب اصول قوانین اساسی یکی از نیازهای جامعه امروزی ما در سطح جهانی و داخلی برای شناخت حقوق و وظایف خود و عمل بر مبنای آنان است. به علاوه ضرورت دیگر، شناخت اصول حقوقی در قوانین موضوعه داخلی است که هم با توجه به اسناد بین‌المللی و هم آموزه‌ها و اصول فرهنگی جامعه ایرانی طراحی شده است. بنابراین هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تضمینات حقوقی آموزش شهروندی در چارچوب نظام حقوقی ایران می‌باشد.

پیشینه تحقیق

آموزش شهروندی در عرصه داخلی و بین‌المللی، بخش مهمی از تحقیقات انجام‌شده در این زمینه است که به برخی از آنان پرداخته می‌شود:

کشاورز و همکاران (۱۳۹۷ ش.) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های شهروندی جهانی در آموزش و پرورش ایران» چنین نتیجه می‌گیرند که شهروندی جهانی نیازمند وجود شهروندانی آگاه، فعال و مسؤولیت‌پذیر است که بتواند شرایط زیستن شهروندان در عصر جهانی‌شدن را فراهم آورد. ساجدی (۱۳۹۵ ش.) در تحقیقی تحت عنوان «حقوق بشر و حقوق شهروندی از نگاه دولت‌های اسلامی خاورمیانه با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» نتیجه می‌گیرد که حقوق بشر و حقوق شهروندی، حقوقی هستند که انسان به صرف انسان‌بودن و نه به دلیل موقعیت خاص یا ویژگی خاص، دارا می‌باشد. همچنین آموزش حقوق شهروندی در کشورهای توسعه‌یافته از دوره دبستان تا دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد و این دوره‌های تربیتی و آموزشی سبب می‌شود تا درک و شناخت شهروندان نسبت به حقوق و مسؤولیت خود در مقابل جامعه بیشتر شود. اسدی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۴ ش.) در پژوهشی تحت عنوان «حق آموزش و تربیت کودک در قوانین ایران و اسناد حقوق بشر» در بررسی حقوق ایران و اسناد حقوق بشر نتیجه گرفتند که تربیت کودک به طور صریح از بعد تولد او آغاز می‌شود.

www.SID.ir

Archive of SID

پرورش جسمی و روانی و اخلاقی کودک، تأمین امکانات مربوط به نگاهداری و تحصیلات اجباری، تربیت مذهبی و تنبیه کودک و نیز اطاعت کودک از والدین و احترام به ایشان، از حقوق و تکالیف والدین در این زمینه از منظر حقوق داخلی است. نیاورانی (۱۳۸۹ ش.) در تحقیق خود با عنوان منزلت حق بر آموزش در نظام بین‌المللی حقوق بشر می‌نویسد: با عنایت به مفاد اسناد حقوق بشری موجود می‌توان دست کم در سطوح ابتدایی آموزش، این حق را واجد وصف آمرانه دانست. حسین لطف‌آبادی (۱۳۸۵ ش.) در مقاله آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان، شهروندی دوران کنونی را مستلزم دارابودن نگاهی ملی و بین‌المللی می‌داند که از حیث گوناگون نیازمند آموزش و شناخت نسبت به حقوق و وظایف خویش هستند.

آموزش شهروندی همانند پژوهش‌های ذکرشده، هدف پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد، اما هدف اصلی پژوهش حاضر برخلاف پژوهش‌های ذکرشده این است که به تضمینات و شرایطی بپردازد که حقوق شهروندی در چارچوب آن بتواند توسعه پیدا کند. بدین‌ترتیب پژوهش حاضر تنها به توصیف و تحلیل آنچه در بحث آموزش حقوق شهروندی است، نمی‌پردازد، بلکه به شرایط آینده و گسترش آموزش حقوق شهروندی نظر می‌افکند.

اصطلاحات

۱ـ آموزش

آموزش در حقیقت کوششی است که معلم برای انتقال معلوماتی خاص به شاگردان خود به کار می‌برد و عمدتاً به مهارت و خبرگی معلم و نوع محتوای درسی که معلم به انتقال آن می‌پردازد، بستگی دارد (۱). غالباً بین مفهوم آموزش و تدریس مشابهت‌هایی دیده می‌شود، اما در نگاه علمی و تخصصی تفاوت‌هایی بین این دو مقوله دیده می‌شود. تفاوت اساسی بین آموزش و تدریس این است که تدریس، شامل آموزش می‌شود، اما آموزش تدریس را در بر نمی‌گیرد. از این رو تدریس، خود یک نوع آموزش است، اما آموزش تنها تدریس نیست (۲). آموزش نوعی مهارت فنی است که با قصد افزایش مهارت فرد نسبت به چیزی یا مسأله‌ای دنبال می‌شود. در نهایت، آموزش فرآیندی هدفمند برای تسهیل یادگیری است که می‌تواند جلوه‌های رسمی و غیر رسمی نیز داشته باشد. از این جهت، در طی فرایند آموزش، تجربیاتی ایجاد می‌شود که بر شیوه درک مردم در ارتباط با محیط‌های اجتماعی، فرهنگی و فیزیکی خود تأثیر می‌گذارد و حتی منجر به تغییر رفتار آنان نیز می‌شود.

۲ـ شهروندی

شهروندی (Citizenship)، شامل کسانی است که در یک مرز سرزمینی زندگی می‌کنند و از قانون خاصی نیز پیروی می‌کنند. شهروندی دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی ـ اجتماعی، فرهنگی و مدنی است و در ارتباط تنگاتنگ با مفاهیمی نظیر حقوق بشر نیز قرار دارد. شهروندشدن، به دست‌آوردن موقعیتی حقوقی، برابر با سایر شهروندان، برخوردارشدن همگام با آن‌ها از برخی حقوق و داشتن وظایف مشترک است (۳). مطابق این تعریف، شهروندی مفهومی است که ارتباط نزدیکی با دولت ـ ملت دارد، چه این‌که شهروندی به سبب این‌که در یک جامعه انسان‌هایی با حقوق و تکالیف برابر باشند، معنا می‌یابد. شکل ساده شهروندی به معنای حضور در سیاست و اجتماع است که به هیچ وجه نقش منفعل و منفک از جامعه را نمی‌پذیرد. به هر حال، عضویت، بنیان شهروندی است، هرچند که عضویت همه شمول هنوز تحقق نیافته است، اما دامنه آن روز به روز در حال گسترش است (۴).

مبانی نظری؛ حقوق شهروندی در اسلام و ایران

انسان بنا به ذات وجودش از شگفت‌انگیزترین موجودات آفرینش است و همواره حقوق و تکالیفی را نیز برای خود در نظر می‌گرفته است. حقوقی که هرچند به صورت نابرابر و ناهمگن دنبال می‌شد، اما به شکل فطری و اجتماعی، رفتارها و قوانین انسان‌ها را در جوامع مختلف تحت تأثیر قرار می‌داد. در همین راستا، در طول تاریخ بشری، موضوع انسان از دریچه ادیان توحیدی و غیر توحیدی، توسط اندیشمندان همیشه محل بحث و جدل فراوان بوده است. نظر غایی همه آنان چیزی جز دستورالعملی ساده و قابل فهم برای بهترزیستن و

www.SID.ir

Archive of SID

رسیدن به اوج تعالی و سعادت انسان نبوده است. در همین راستا، انسان در اسلام جایگاه بسیار متعالی دارد و عالی‌ترین مدح‌ها و ستایش‌های قرآن در باب عظمت خلقت انسان است. بررسی آیات و روایات نشان می‌دهد که انسان به عنوان اشرف مخلوقات، توان سروری بر روی زمین را دارد و حتی همه اشیا در خدمت خلقت انسان قرار دارد. از این رو تغییر و تبدل آنان توسط انسان امری عادی و طبیعی است.

آموزه‌های دین اسلام، یکی از دیرینه‌ترین مباحث و مبانی را در حیطه حقوق شهروندی بیان می‌کند. عزتمندی و کرامت محوربودن انسان به عنوان حقوق شناخته‌شده انسان در نزد آموزه‌های اسلامی است که می‌تواند در پرتو تحولات زمانه، اشکال مختلفی نیز به خود بگیرد. بر همین اساس، ساختار وجودی و فطری انسان در قرآن کریم، به عنوان سرآمد دستگاه آفرینش معرفی شده است که با هدایت عقل و بینش صحیح به مسیر الهی رهنمودن می‌گردد. فرموده قرآن کریم چنین است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ فِی أَحْسَنِ تَقْوِیمٍ؛ ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم» (۵). بنابراین خداوند متعال انسان را به عنوان موجودی کرامتمند و به بهترین شکل ممکن آفریده است. علاوه بر این، انسان جانشین و خلیفه خدا بر روی زمین است. از این رو نسبت به سایر موجودات جایگاه برتری دارد. آیه ۳۰ سوره بقره چنین می‌فرماید: «انی جاعل فی الارض خلیفة.» برتری انسان بدین جا ختم نمی‌شود، بلکه او دارای کرامت و مقام ویژه‌ای است. و از این رو شکوفاکردن استعدادهای انسان جهت رسیدن به قرب الهی یکی از مهم‌ترین وظایف وی در نظر گرفته شده است. مصداق بارز چنین برتری در آیه زیر قابل مشاهده است. به فرموده قرآن کریم: «وَ لَقَدْ کَرَّمْنا بَنِی آدَمَ وَ حَمَلْناهُمْ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّیِّباتِ وَ فَضَّلْناهُمْ عَلی کَثِیرٍ مِمَّنْ خَلَقْنا تَفْضِیلاً؛ ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم و آن‌ها را در خشکی و دریا، (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم» (۵).

مطابق آیات و روایات، انسان به عنوان خلیفه خدا بر روی زمین، ظرفیت‌های گسترده‌ای برای رسیدن به قرب الهی دارد. از این رو سعادت دنیوی و اخروی به عنوان ثمره کرامت وی در نظر گرفته می‌شود. انسان بر ساحت عقل و اندیشه زندگی می‌کند و سعادت و شقاوت وی نیز در دستان خودش قرار دارد. تمایلات و خواسته‌های متعددی در وی وجود دارد که در صورت به کارگیری صحیح و مناسب از آنان می‌تواند مسیر خوشبختی را طی نماید. بنابراین مزیت خلقت انسان نسبت به حیوانات و جمادات، همانا بهره‌مندی وی از عقل و اختیار وی است (۶). از منظر آموزه‌های دینی و به تبع آن نظام‌های حقوقی که از اسلام منبعث می‌شود، همه موجودات دارای نظام و هدف مشخصی هستند و هیچ خلقتی بدون برنامه و هدف نبوده است. از این رو انسان به عنوان اشرف مخلوقات دارای جایگاه برجسته‌ای است که تعالی وجودی انسان رسیدن به قرب و منزلت الهی است، پس می‌توان گفت خلقت موجودات گامی برای سعادت انسانی است که در نهایت تربیت و آموزش انسان را به عنوان هدف نهایی در نظر می‌گیرند و انسان را به عنوان هو الاول و آخر (۷) خلقت برمی‌شمرند.

با عنایت به این‌که نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران برگرفته از احکام و آموزه‌های دینی است، می‌توان با جستجو درباره عناصر حقوق شهروندی نسبت به بررسی ظرفیت‌های قانون اساسی نسبت به آموزش شهروندی اقدام نمود. در واقع نظام حقوقی ایران که زاییده ایده‌ها و اهداف مذهبی است، حقوق انسان و کرامت وی را به عنوان هدف اصلی در نظر می‌گیرند، چه این‌که تعلیم و تربیت انسان و همچنین احقاق حقوق مؤمنان یکی از اهداف اساسی جامعه اسلامی است. مسأله تربیت و آموزش انسان‌ها نیز در رأس این برنامه الهی و به تبع آن نظام حقوقی اسلامی قرار می‌گیرد. از این رو آموزش و تربیت انسان‌ها که منجر به شناخت حقوق فردی و اجتماعی انسان می‌شود، لاجرم با رویکردهای استبدادی در تعارض است، از جمله این‌که ساختار سیاسی و اجتماعی ایران، نظام‌های استبدادی متعددی را به خود دیده است که هر کدام

www.SID.ir

Archive of SID

به نوعی باعث نادیده‌گرفتن حقوق شهروندی می‌شدند. از این منظر، ساختار قدرت در نظام‌های استبدادی به گونه‌ای بوده است که دستورات و برنامه‌های آنان در تعارض با حقوق و منافع ملی مردم سرزمین ایران قرار می‌گرفت. به طور مشخص، این وضعیت تا دوران مشروطیت به قوت خود باقی بوده است و تنها پس از انقلاب مشروطه و سپس انقلاب اسلامی و با مطرح‌شدن حقوق و کرامت انسانی، جایگاه شهروندی و حقوق شهروندان به عنوان مسأله‌ای اساسی در نظر گرفته شد. بدین‌معنا مطرح‌شدن اندیشه‌های آزادی، عدالت، برابری و برادری باعث تغییر وضعیت به نفع مردم و مقابله با استبداد شده بود، حتی آموزش و تربیت شهروندان جهت زندگی مطلوب اجتماعی و اقتصادی، نیازمند توجه بیشتری به مقوله حقوق شهروندی بوده است. رویکرد مزبور که در دوره پهلوی نیز مطرح بوده است، هرچند در ابعاد اجتماعی نشانه‌هایی از تجدد و پیشرفت را به خود گرفته بود، اما از جهات دیگری باعث عقب‌ماندگی شد و بدلیل عدم توسعه سیاسی و عدم رعایت حقوق بشر، حقوق شهروندی مطلوبی پا نگرفت (۸).

در همین راستا، پیروزی انقلاب اسلامی ایران نویدبخش آینده‌ای روشن و امیدبخش از حقوق شهروندی بوده که بر مبنای کرامت و عزت انسانی، حقوق مادی و معنوی انسان‌ها را احیا نمود و با در نظرگرفتن شرایط زمانه، حقوق و مسؤولیت‌های جدیدی را برای انسان در نظر می‌گرفت. گرایش به آموزه‌های دینی و سپس گنجاندن اصولی در قانون اساسی، جهت حفظ و گسترش حقوق شهروندی بخش مهمی از رویکرد جمهوری اسلامی ایران به مقوله حقوق شهروندی است. با این حال، حقوق شهروندی نیازمند آموزش و تربیت نسلی متعالی است که بتواند فرایند جامعه پذیری را بر مبنای حقوق و تکالیف به پیش ببرد. اصول ۱۹، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۳۲، ۴۷ و... که حقوق برابر و شهروندی را در نظر می‌گرفت و آزادی بیان، اجتماعات، چند فرهنگی، چند زبانی، احترام به حقوق اقلیت‌ها، احترام به قومیت‌ها و مذاهب و... را در نظر می‌گرفت به عنوان وجوه انضمامی حقوق شهروندی در نظر گرفته می‌شوند.

هرچند اصطلاح حقوق شهروندی در قانون اساسی ج.ا. ایران دیده نمی‌شود، اما اصولی نظیر حمایت از آزادی‌های فردی، دفاع از برابری و مساوات، احترام به حقوق گروه‌های مختلف جامعه در قالب زبانی، مذهبی، قومی و... همچنین ابتنای نظام سیاسی بر پایه رأی و نظر مردم، پشتوانه‌ای برای حقوق شهروندی در نظر گرفته می‌شوند، از جمله می‌توان به قانون حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ اشاره نمود که بر پایه کرامت و عزت انسانی، درصدد پاسداشت حقوق و ارزش‌های بنیادین انسانی و اسلامی است. به طور کلی باید گفت هم در قانون اساسی ج.ا. ایران و هم سایر قوانین مرتبط با حقوق شهروندی، اصل حاکمیت الهی بر روی زمین و حق حیات و سرنوشت برای انسان‌ها به عنوان وجوه مهم حقوق شهروندی در ج.ا. ایران در نظر گرفته می‌شوند. منشور حقوق شهروندی از این جهت، دربرگیرنده حق حیات، سلامت، کیفیت زندگی، کرامت و برابری انسانی، آزادی و امنیت شهروندی، مشارکت در تعیین سرنوشت، آزادی اندیشه و بیان، انتقاد، وجود رسانه‌های جمعی و منتقد و همچنین بهره‌مندی آحاد جامعه از حق برگزاری تشکل، تجمع و راهپیمایی، تشکیل خانواده، برخورداری از دادخواهی عادلانه، اقتصاد شفاف و رقابتی، مسکن و مالکیت، رفاه و معیشت مناسب، حق آموزش، کار متناسب با شأن انسان و آزادی اشتغال می‌باشد. به نظر می‌رسد مسائل مطرح‌شده به شکل قابل توجهی نیازمند آموزش و آگاهی به افراد جامعه نیز می‌باشند. حقوق مطرح شده که حاکمیت الهی و حق تعیین سرنوشت انسانی را به شکل متعامل در نظر می‌گیرد، در تعامل و هم‌زیستی با یکدیگر قرار دارند. از این رو وجود یکی مستلزم نفی دیگری نیست. از این جهت آموزه‌های مطرح‌شده در باب حقوق شهروندی نبایستی به گونه‌ای باشند که در تضاد با آموزه‌های دینی قرار گیرند (۹). بدین‌ترتیب باید گفت، اصل خودمختاری انسان و حق تعیین سرنوشت که در قالب حقوق شهروندی مطرح می‌شود، نیازمند آموزش و انتقال مفاد و مبانی آن به آحاد جامعه اسلامی است که عدم توجه به آن، رکود و انجماد را بر جامعه حاکم می‌نماید. بنابراین آموزش حقوق شهروندی،

www.SID.ir

Archive of SID

گره‌گشای مشکلات جامعه اسلامی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

آموزش مردم به حقوق اساسی که همانا حقوق بشر و حقوق شهروندی است، نیاز به یک برنامه‌ریزی صحیح و طولانی‌مدت دارد. در بند ۲ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است که «هدف آموزش و پرورش باید شکوفایی همه‌جانبه شخصیت انسان و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد» (۱۰). در کشورهای توسعه‌یافته آموزش حقوق بشر و شهروندی از همان دوران ابتدایی و در سنین پایین توسط دستگاه آموزشی کشورها دنبال می‌شود و به صورت یک فعالیت نظام‌مند تا دوران دانشگاه تداوم می‌یابد. آموزش حقوق بشر و شهروندی در سطوح مختلف جامعه به قدری حائز اهمیت است که کنفرانس وین، ارتقا و پیشرفت جامعه و همچنین رسیدن به جامعه باثبات و همگن را در گرو آموزش سالم و مؤثر می‌داند و به مؤلفه‌های مختلف آموزش شهروندی توجه نشان داده است (۱۱). در مجموع باید گفت تضمینات مناسبی برای آموزش حقوق شهروندی در نزد قانون اساسی و سایر قوانین موجود در جمهوری اسلامی ایران دیده می‌شود که در قالب بخش‌های مختلف می‌توان به آنان اشاره نمود.

تجزیه و تحلیل

۱ـ کرامت انسانی و ضمانت حقوق شهروندی

کرامت انسانی، اصل اساسی در حقوق شهروندی اسلامی و جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته می‌شود که به طور مشخص، حاصل ممزوج‌بودن اندیشه الهی و حق تعیین سرنوشت انسان است. اصطلاح کرامت انسانی در مجموع، سه بار در قانون اساسی ج.ا. ایران آمده است که ابعاد مختلف حقوق شهروندی و حقوق بشری را دربر می‌گیرد. پیام روشن اصل کرامت بر زندگی توأم با آرامش انسان اشاره دارد که حاکمیت الله و حق تعیین سرنوشت انسان را به طور توأمان در نظر می‌گیرد. در هر صورت، با در نظرگرفتن اصل کرامت، حضور مسؤولانه و فعالانه شهروندان در امور مختلف جامعه و احساس تکلیف در برابر وظایف شهروندی به عنوان بخش مهمی از حقوق شهروندی در نظر گرفته می‌شود (۱۲). رویکرد زندگی کرامت‌محور و تکریم انسان و در نظرگرفتن ارزش‌های الهی و انسانی در اصل دوم قانون اساسی نیز مشهود است. جایی که در کنار اصول دینی و مذهبی، در بند ششم، «ایمان به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توام با مسؤولیت او در برابر خدا» را به عنوان مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران می‌آورد و بر وجود و تداوم آنان صحه می‌گذارد.

با عنایت به اهمیت کرامت انسانی در نزد قانون اساسی ج.ا. ایران، می‌توان ایده‌های حقوق شهروندی را از آنان استخراج نمود و سپس در قالب روش‌های مختلف آموزش داد. این رویکرد نیز به نوبه خود برگرفته از همان رویکرد انسانی و الهی است که در متون دینی از جمله آیات و روایات نمایان است، از جمله آیات شریفه «و نفخت فیه من روحی» (۵) یا در آیه دیگری می‌فرماید: «و اذ قال ربک للملائکه انی جاعل فی الارض خلیفه» (۵)، به عنوان مبانی حقوقی این رویکرد در نظر گرفته می‌شوند (۱۳).

بر همین اساس، آموزش حقوق شهروندی می‌بایست به گونه‌ای باشد که بتواند ارزش‌های الهی و انسانی را به صورت متعامل و در طول یکدیگر ارائه دهد. از این رو رسالت رسانه‌های جمعی و آموزشی حائز اهمیت است. بر این اساس، رسالت همگانی ایجاب می‌نماید که آزادی و کرامت انسانی را سرلوحه برنامه‌های آموزشی و همگانی قرار دهیم و خطوط شرعی و موازین انسانی را به عنوان محدوده تبلیغ و انتشار حقوق شهروندی در نظر داشته باشیم. پیروی از این اصول و به کارگیری آنان به نحو مطلوبی می‌تواند راه رشد و تکامل انسان را بر روی همگان بگشاید. به نظر می‌رسد حقوق شهروندی کرامت‌محور در قانون اساسی و آموزش آن، امری معتبر است که بخش‌های مهم آن در قوانین طبیعی و تجربی نیز دیده می‌شود، زیرا در نزد قوانین طبیعی، قوانین عادلانه، دارای اعتبار هستند و قوانین غیر عادلانه دارای اعتبار نیستند (۱۴). قوانین عادلانه که تضمینی برای حقوق شهروندی و مبنایی برای آموزش حقوق شهروندی محسوب می‌شوند، در اصل بیست و دوم قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است.

www.SID.ir

Archive of SID

جایی که بر حیثیت، جان، مال، حقوق، شغل و مسکن تأکید می‌کند، هم‌چنانکه در اصل بیست و سوم قانون اساسی نیز چنین مطرح می‌شود که تفتیش عقاید ممنوع بوده و نمی‌توان کسی را به صرف داشتن عقیده‌ای مورد مواخذه قرار داد.

همین رویکرد در سایر قوانین بعد از انقلاب اسلامی از جمله منشور حقوق شهروندی دیده می‌شود. جایی که بر اصول مختلفی از جمله حق حیات، سلامت، کیفیت زندگی، کرامت و برابری انسانی، آزادی و امنیت شهروندی، مشارکت در تعیین سرنوشت، آزادی اندیشه و بیان، تشکل، تجمع و راهپیمایی، تشکیل خانواده، برخورداری از دادخواهی عادلانه و امنیت قضایی تأکید شده است. به نظر می‌رسد آموزش اصول مطرح‌شده بر پایه قانون اساسی گام مهمی برای ترویج کرامت انسانی بر مبنای برابری و آزادی انسانی است، به گونه‌ای که در تضاد با شرع قرار نگیرند و اصول آن را مخدوش نسازند (۹). از این منظر، اگر بخواهیم الگوی مناسبی برای آموزش حقوق بشر با توجه به قانون اساسی حاکم بر ایران و همچنین با توجه به سایر قوانین ایران که مستقیم و غیر مستقیم منبعث از فقه شیعی می‌باشند، در نظر داشته باشیم و همچنین مؤلفه‌های حاکم بر منشور حقوق شهروندی به عنوان یک قانون لازم الاجرا نیز به عنوان روح حاکم بر آموزش قرار دهیم، می‌توان گفت مؤلفه‌هایی مانند برابری، آزادی، مشارکت در سرنوشت، کرامت انسانی و... همگی جزء لاینفک آموزش حقوق بشری می‌باشد و هر الگویی با هر رویکرد و تکنیکی که مد نظر قرار بگیرد، می‌بایست بر این اصول استوار باشد، زیرا به هر ترتیب این قوانین و مواد عصاره‌ای از تلاش‌ها، نظریه‌پردازی‌ها و تعاملات بسیار تصمیم‌سازان و مردم و نهادهای بین‌المللی بوده است که به منصه ظهور رسیده‌اند.

۲ـ عدالت و برابری و آموزش حقوق شهروندی

عدالت و برابری از دیرباز از مهم‌ترین آرمان‌های انسانی و دغدغه‌های ادیان الهی و اندیشمندان سیاسی بوده است. در باور همگانی، روابط و مناسبات افراد و گروه‌ها، قوانین و مقررات جامعه و نیز نهادهای اجتماعی باید عادلانه باشد و مقررات و الزامات اجتماعی، آنگاه از مشروعیت عمومی برخوردارند که براساس عدالت به وجود آمده و بر این مبنا اجرا شوند و با آن منطبق باشند. بحث و بررسی درباره عدل و قسط، ماهیت و چگونگی آن و نیز نحوه تحقق و اجرای آن در جوامع بشری به صورت عدالت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و همچنین در نفوس انسانی به صورت عدالت اخلاقی و فردی همواره از ضروریات اولیه زندگی بشر محسوب شده است. انسان به دلیل وجود اختلافات اجتماعی، در خود به نوعی احساس نیاز به عدالت می‌کند. این احساس نیاز به عدالت نزد همه بیش و کم وجود دارد، ولی بیشتر احکام عرفی، ساده و ناقص است و همگان درباره مسائل حقوقی و اقتصادی، عدالت را تشخیص نمی‌دهند. همان‌گونه که در اخلاق باید، عرف پاکان و پرهیزکاران را مبنا قرار داد، مفهوم عدالت را نیز باید در نوشته‌های خبرگان حقوق و اخلاق جستجو کرد. برخی دیگر عدل را مقابل ظلم و به معنای احقاق حق و اخراج حق از باطل و امر متوسط میان افراط و تفریط بیان کرده‌اند (۱۵). همچنین برخی عدل را به معنای برابری و تساوی و انصاف و داد و ضد جور و مانند و مثل چیزی از وزن و قدر و یک لنگه از دو لنگه بار ستور (چهارپایان) می‌دانند (۱۶). در معنای اصطلاحی نیز عدالت در دو معنا به کار رفته است: نخست، به معنی برابری، مساوات، انصاف و بی‌طرفی. از این رو برخی عدالت را به معنای تساوی و نفی تبعیض، رعایت تساوی در زمینه استحقاق‌های متساوی ذکر کرده‌اند (۱۷). ابن تیمیه نیز عدالت را به معنای برگرداندن مثل و مانند یک چیز دانسته و فارابی آن را به معنای تقسیم کالاهای مشترک آورده است (۱۸)؛ معنای دوم عدالت به معنی توازن، تعادل، اعتدال، تناسب، حد وسط و مطابقت با نظم است. در این معنی، ابن رشد عدالت را در معنای عدم افراط و تفریط به کار برده و مطهری نیز آن را در موزون‌بودن دانسته است (۱۷).

در آیات بسیاری از قرآن، امر به رعایت عدالت، دادگری و تعظیم و تکریم شان عدالت آمده است و حتی خداوند به مسلمانان دستور می‌دهد که در گفتارشان هم عدالت را رعایت نمایند» هنگامی که سخنی (در کار داوری و یا گواهی و یا روایت خبری) گفتید: دادگری کنید و از حق دور نشوید، هرچند کسی که سخن به نفع یا زبان او گفته می‌شود، از خویشاوندان باشد» (۵). خداوند فلسفه ارسال پیغمبران را

www.SID.ir

Archive of SID

اقامه عدالت بیان می‌کند و می‌فرماید: «ما پیغمبران خود را همراه با دلایل متقن و معجزات روشن (به میان مردم) روانه کرده و با آنان کتاب‌های (آسمانی) و میزان‌هایی که حق و عدالت را شناسایی و تعیین می‌کند، نازل کرده‌ایم تا مردمان دادگرانه با هم رفتار کنند.» این آیه به صراحت اعلام می‌دارد که منظور خداوند از فرستادن پیغمبران، برقراری ساختن عدالت اجتماعی در بین آنان بر اساس کتاب‌های آسمانی و قوانین و احکام شرعی دین مبین اسلام می‌باشد (۱۹). ارزش عدالت از اصول و سنت‌های تغییرناپذیر الهی که بر آسمان و زمین حاکم است، اصل عدالت است. در سیره و تاریخ رهبران دینی، این موضوع مورد توجه قرار گرفته است، چنانچه حضرت علی(ع) می‌فرماید: «العدلُ اساسٌ بِهِ قِوامُ العالَمِ؛ عدل پایه و ستونی است که هستی بدان پابرجا و استوار است» (۲۰). پس می‌توان گفت عدالت در لغت به معانی برابری، تساوی، استقامت در برابر ظلم می‌باشد و در معنای اصطلاحی، برخورد قانونی یکسان، دادن استحقاق‌ها و قرارگرفتن هر چیز در جایگاه مناسب و شایسته آن است. به علاوه عدالت بنیاد و اساس حکومت و جامعه اسلامی است، به گونه‌ای که در صورت عدم وجود آن، جامعه از هم پاشیده خواهد شد و ظلم و عداوت بر جامعه حاکم می‌شود. بر این اساس عدالت در جامعه اسلامی، اهمیت و ارزش ویژه‌ای دارد، به گونه‌ای که در تمام زمینه‌های زندگی باید عدالت اجرا گردد.

با توجه به مؤلفه برابری، قانون اساسی می‌تواند مبنایی برای آموزش حقوقی این مؤلفه در نظر گرفته شود، هم‌چنانکه در اصولی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مسأله برابری اشاره و تأکید شده است. از جمله در اصل سوم قانون اساسی رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی و همچنین تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم مردم در برابر قانون، از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران شمرده شده است. در اصل ۱۹ قانون اساسی هم بیان می‌دارد که مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد شد. اصل ۲۰ هم مقرر می‌دارد که همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند، البته به این نکته باید توجه داشت که مراد از تساوی حقوق، که در اصل ۱۹ و ۲۰ آمده، تساوی در برابر قانون است. دلیل ما اصل ۳ قانون اساسی است که یکی از وظایف دولت را تأمین حقوق همه‌جانبه افراد و تساوی افراد و تساوی عموم در برابر قانون می‌داند.

۳ـ آزادی و امنیت شهروندی و آموزش حقوقی آن

امنیت و آزادی یکی از اساسی‌ترین مفاهیم حوزه سیاست و روابط بین‌الملل است. امنیت نیاز بنیادین و هدف اولیه و اساسی تک‌تک انسان‌ها در جامعه و دولت‌ها در عرصه بین‌المللی است. مهم‌ترین وظیفه و مسؤولیت دولت ملی که مبنای تأسیس آن محسوب می‌شود، برقراری امنیت برای شهروندان است که ممکن است در داخل از سوی افراد و گروه‌ها و در خارج از سوی کشورها و گروه‌های دیگر نقض شود. در مقابل برقراری امنیت، مردم حق اعمال قدرت مشروع را به دولت محول کرده و از بخشی از آزادی‌های فردی و اجتماعی خود صرف نظر می‌کنند. دولت ملی حق اعمال قدرت مشروع در چارچوب سرزمینی خود را در اختیار دارد و در صورت نیاز از آن برای تنبیه متجاوزین به حقوق مردم یا مقابله با دولت‌های دیگر استفاده می‌کند. دولت به قانونگذاری، اجرای قانون و قضاوت در میان مردم می‌پردازد تا امنیت را در جامعه تأمین کرده و بستر مناسبی را برای فعالیت شهروندان در جامعه به وجود بیاورد (۲۱). بدین‌ترتیب امنیت مقوله‌ای است که حیثیت جان، مال، و حقوق مادی و معنوی انسانی را در جامعه اسلامی تضمین می‌کند و حتی ضمانتی برای حراست و نگاهبانی از آنان فراهم می‌آورد (۲۲). حق امنیت دارای مصادیق فراوانی است که شامل «امنیت تن و جان، امنیت حیثیت و اعتبار، امنیت مال، امنیت مسکن، امنیت شغل، امنیت خلوت و حریم خصوصی، امنیت رفت و آمد و اقامت و امنیت از بازداشت‌های خودسرانه و تعقیبات غیر قانونی» می‌باشد (۲۳). به طور مشخص درباره امنیت فردی از

www.SID.ir

Archive of SID

منظر حقوق شهروندی اسلامی، رویکرد روشنی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و حتی منشور حقوق شهروندی وجود دارد که حتی گامی در راستای آموزه‌های جهانی حقوق شهروندی است. به عنوان نمونه در اصل سی و دوم قانون اساسی، منع دستگیری خودسرانه افراد به طور مشخص بیان شده است. بر این اصول، می‌توان طرح ۸ ماده‌ای امام خمینی (ره) را نیز در نظر گرفت که به صورت توأمان حقوق شهروندی را در زمینه‌های قضایی حراست می‌نماید. به نظر می‌رسد آموزش اصول ذکرشده توسط دستگاه‌های آموزشی و رسانه‌های جمعی و کاربردی‌کردن آن در زندگی شهروندان بتواند بخش مهمی از حقوق و آزادی‌های شهروندی را تضمین ببخشد و یا باعث توسعه آنان گردد. حق نشر عقیده و اندیشه به نحوی که در تعارض با مبانی امنیت ملی و زیر پا گذاشتن حقوق دیگر شهروندان نگردد، در نزد آموزه‌های حقوق شهروندی مورد نظر ج.ا. ایران پذیرفته شده است. جلوگیری از بازداشت و دستگیری خودسرانه و همچنین آزادی و امنیت شخصی در برابر مقامات سیاسی و انتقاد از آنان به عنوان بخش‌های مهم دیگری از این اصول در نظر گرفته می‌شوند، ضمن این‌که مطابق قانون، بازداشت و یا دستگیرکردن افراد می‌بایست به نحوی باشد که ضوابط شرعی و قانونی را در نظر داشته باشد. از مقایسه رویکردهای حقوق شهروندی بین‌المللی و داخلی می‌توان چنین نتیجه گرفت که شرع و محدوده آن، خط تمایزی میان این دو تعریف در نظر گرفته می‌شوند که نادیده‌گرفتن آن در حقوق شهروندی اسلامی، خسرانی برای جامعه محسوب می‌شود. علاوه بر این، رعایت حقوق شهروندی و در نظرگرفتن آزادی‌های مصرح در قانون اساسی می‌بایست با در نظرگرفتن ساختار قانون اساسی و مباحث مطرح‌شده در آن باشد که می‌تواند تحت عنوان قواعد شکلی قابل طرح باشد (۲۴). بنابراین ساختار شکلی و محتوایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارای تفاوت‌هایی با قوانین بین‌المللی است که می‌بایست تفاوت‌های آنان را نیز در نظر گرفت.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آموزش آحاد جامعه را به عنوان یکی از حقوق فرهنگی انسانی محسوب نموده و در اصل ۲۰، حقوق مساوی انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همه افراد ملت را با رعایت موازین اسلامی مورد شناسایی قرار داده است. طبق اصل ۳۱ قانون اساسی، حق آموزش و پرورش رایگان نیز با شرایطی پذیرفته شده است. طبق اصل ۴ قانون اساسی، قید اسلامی‌بودن تمامی قوانین اصل حاکم بر تصویب و اجرای همه قوانین است. بدین ترتیب به نظر می‌رسد آموزش حقوق بشر تنها در محدوده‌ای که تعارضی با احکام اسلامی نداشته باشد، در مقررات داخلی مجاز شمرده شده است. همچنین در اصل ۱۳ هم آزادی عقیده و انجام مراسم دینی اقلیت‌های مذهبی شامل زرتشتی، کلیمی و مسیحی را به رسمیت شناخته است، البته در اصل ۱۴ علی‌رغم این‌که بیان می‌دارد که دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند. در عین حال این امر را ذکر می‌کند که این امتیازات و آزادی‌ها تا هنگامی است که اینان بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

در زمینه آزادی بیان هم اصل ۲۴ قانون اساسی اظهار می‌دارد که نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد تفصیل آن را قانون معین می‌کند. این اصل به صراحت اعلام می‌دارد که آزادی بیان نباید به مبانی اسلام یا حقوق عمومی لطمه‌ای وارد کند و این در واقع با ماده ۲۹ اعلامیه حقوق بشر بند ۲ مطابقت می‌کند که حقوق در اعلامیه را تا جایی قابل تحقق می‌داند که با حقوق دیگر افراد و جامعه در تضاد نباشد. در اصل ۲۶ قانون اساسی هم از آزادی احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده سخن گفته و در اصل ۲۷ بر آزادی تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها تأکید کرده است، ولی در هر دو اصل این قید ذکر شده که این‌گونه فعالیت‌ها نباید مخل به مبانی اسلام باشد. در اصل ۲۸ هم آزادی شغلی را مورد اشاره قرار داده، ولی با این قید که از نظر اسلام آن شغل ممنوع نباشد و با مصالح عمومی و حقوق دیگران در تضاد نباشد.

www.SID.ir

Archive of SID

اعتماد اجتماعی و آموزش حقوق شهروندی

تأمین امنیت و ایجاد احساس اعتماد در جامعه صرفاً از سوی دولت امکان‌پذیر نخواهد بود، بلکه آحاد مردم به عنوان کنشگران فعال و به طور کلی شهروندان در عرصه اجتماعی در برآوردن این مهم نقش به سزایی دارند. احساس امنیت تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد که یکی از این عوامل تأثیرگذار مقوله اعتماد اجتماعی است. لزوم شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی افراد و در نتیجه آن روابط بین افراد، بیانگر مؤلفه مهمی به نام اعتماد اجتماعی در بین افراد است. اعتماد بستر تعاملات و روابط اجتماعی و کانون مفهوم سرمایه اجتماعی است. برخی این ایده را مطرح می‌کنند هنگامی که توافقاتی در چارچوب بزرگ‌تر روابط شخصی و شبکه‌های اجتماعی حاصل می‌شود، اعتماد ایجاد می‌گردد و انگیزه تخلف از مقررات رنگ می‌بازد و امنیت جایگزین آن خواهد شد (۲۵). اعتماد را می‌توان مهم‌ترین مؤلفه نظم اجتماعی قلمداد کرد، یعنی بدون انسجام و نوعی اعتماد، پایداری نظم و امنیت غیر ممکن است (۲۶). از طرفی امنیت موجود در جامعه به افراد اجازه می‌دهد که در شرایط اطمینان و اعتماد متقابل به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و به واسطه این، تسهیل کنش است. بر این مبنا از اعتماد به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد سرمایه اجتماعی یاد می‌شود (۲۷). امنیت به معنای ایمن شدن، در امان‌بودن و بیمناک‌نبودن، آرامش و آسودگی است. احساس امنیت نیز از نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت (رضایت‌بخش، قانع‌کننده و آرام‌بخش) شهروندان نسبت به عدم تأثیرگذاری حضور و بروز رویدادها و وقایع ضد امنیتی (تهدیدات) در شرایط فعلی و آتی ناشی می‌شود (۲۸). همچنین احساس امنیت به معنای فقدان هراس از این‌که ارزش‌های انسانی مورد حمله قرار گیرد یا به مخاطره نیفتد و به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع، اطمینان و آرامش خاطر، ایمنی، آرامش قلب و خاطر جمع بودن است. به علاوه احساس امنیت تلفیقی از عوامل فردی، روانی و اجتماعی است و موقعیت و وضعیت خاص حاکم بر یک جامعه به دلیل نبود یا عدم کارایی قانون سبب می‌شود فرد احساس امنیت یا ناامنی کند (۲۹). همچنین اعتماد و بی‌اعتمادی بازتابی از نظام هنجاری و فرهنگی است که هر کدام کارکردهای مربوط به خود را دارند. فرهنگ مبتنی بر اعتماد معمولاً افراد را به همکاری و وحدت سوق می‌دهد و دربرگیرنده اصول و هنجارهایی با ضمانت اجرایی تشویقی، قابلیت اعتماد برانگیزاننده و موانع منع‌شده (تابوها) با ضمانت اجرایی تنبیهی از سلب اعتماد است. در مقابل فرهنگ مبتنی بر عدم اعتماد بر اغماض و کج‌رفتاری‌های اجتماعی تأکید دارد و جامعه و روابط افراد در آن را در فضای ترس و رعب نگه می‌دارد که این شرایط عدم امنیت را در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و قضایی بیش از پیش تقویت می‌کند (۳۰). بر این اساس می‌توان گفت احساس امنیت اجتماعی به عنوان یک پدیده روان‌شناختی و اجتماعی است و شهروندان برای دستیابی به زندگی سالم و تداوم روابط مبنتی بر اعتماد اجتماعی نیازمند هستند.

اصول مختلفی از قانون اساسی هم ناظر بر امنیت اجتماعی شهروندان هستند و هم این‌که شهروندان را در مسائل مختلفی آزاد گذاشته تا بتوانند در چارچوب قانون و در امنیت کامل نسبت به احقاق حقوق خود اقدام نمایند. وجود امنیت جانی و روانی در جامعه به نوبه خود می‌تواند حامی اعتماد در جامعه تلقی شود. برخی اصول قانون اساسی می‌تواند مبنایی حقوقی برای آموزش اعتماد و امنیت در نظر گرفته شوند. به عنوان مثال اصل بیست و یکم، حقوق مربوط به حمایت از خانواده را به رسمیت شناخته است (این اصل ضمن احترام به کیان خانواده، به طور ضمنی اشاره به حقوق فردی شهروندی داشته و اعلام می‌دارد که قانون از آن حمایت می‌نماید). اصل بیست و دوم، بر مصون‌بودن حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض، مگر در مواردی که قانون تجویز کند، مبتنی است (این اصل یکی از بهترین حقوق فردی شهروندی است و قانون آن را مورد حمایت قرار داده است). اصل بیست و سوم، حق آزادی عقیده را به رسمیت شناخته و می‌گوید هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد (این اصل از اصول مربوط به حقوق فردی شهروندی است و صراحتا این حقوق مورد احترام قانون قرار گرفته است). اصل بیست و چهارم، بر آزادی نشریات و

www.SID.ir

Archive of SID

مطبوعات در بیان مطالب مشروط به مخالف‌نبودن با مبانی اسلام یا حقوق عمومی تأکید کرده است. در توضیح آن می‌نویسد: تفصیل آن را قانون معین می‌کند (این اصل صراحتاً به حقوق جمعی شهروندی اشاره نموده و با قیودی (مخالف‌نبودن با مبانی اسلام یا حقوق عمومی) سعی در ایجاد نظم و امنیت برای شهروندان دارد، البته بخشی از این اصل به طور ضمنی به حقوق فردی شهروندی مربوط خواهد شد). اصل بیست و پنجم، بر ممنوعیت تجسس، استراق سمع، ضبط و فاش‌کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس و سانسور، مگر به حکم قانون تأکید دارد (این اصل به طور صریح بر حقوق فردی شهروندی اشاره دارد و با قید (مگر به حکم قانون) به طور ضمنی بر حقوق جمعی شهروندی اشاره می‌نماید، زیرا منافع عمومی وامنیت ملی بر منافع فردی ارجحیت دارد). اصل بیست و ششم، بر آزادی فعالیت‌های حزبی و صنفی مشروط به نقض‌نکردن استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی مبتنی است (این اصل هم بر حقوق جمعی شهروندی اشاره و به نوعی حقوق فردی افراد هم مورد نظر قرار گرفته است، زیرا با انتخاب شغل و فعالیت نک‌تک افراد جامعه، تشکل‌ها هویت پیدا می‌کنند). اصل بیست و هفتم، آزادی تجمع‌ها و راهپیمایی‌ها را مشروط بر حمل‌نکردن سلاح و مخالف‌نبودن با مبانی اسلامی، به رسمیت شناخته است (این اصل به طور صریح به حق جمعی شهروندی اشاره می‌نماید و با قید (حمل نکردن سلاح و مخالف‌نبودن با مبانی اسلامی) به طور ضمنی حقوق فردی شهروندی را مورد توجه قرار داده است).

علاوه بر قانون اساسی، ستاد صیانت از حقوق شهروندی و حریم امنیت عمومی نهاد مهم دیگری است که در ایران فعالیت دارد که وظایف این ستاد به شرح زیر است: بررسی سیاست‌ها، راهبردها، برنامه‌ها و اقدامات انجام‌شده در حوزه امنیت عمومی و حقوق شهروندی و ارائه پیشنهادات اصلاحی به مراجع تصمیم‌گیر در صورت برخورد با مشکل، برنامه‌ریزی، هماهنگی و پیگیری وظایف مربوط به تصمیمات ستاد، بررسی و تبیین و معرفی حریم امنیت عمومی و حقوق شهروندی که خود می‌تواند پشتوانه‌ای برای ایجاد اعتماد عمومی و آموزش آن به شهروندان در نظر گرفته شود، ضمن این‌که در همین راستا، در منشور حقوق شهروندی ایران به حق حیات، سلامت، کیفیت زندگی، کرامت و برابری انسانی، آزادی و امنیت شهروندی، مشارکت در تعیین سرنوشت، آزادی اندیشه و بیان، تشکل، تجمع و راهپیمایی، تشکیل خانواده، برخورداری از دادخواهی عادلانه نیز توجه نشان داده شده است.

نتیجه‌گیری

مبانی مختلف حقوق شهروندی در حقوق داخلی ایران از جمله قانون اساسی و قوانین موضوعه مبنا و تضمینی برای تداوم و آموزش حقوق شهروندی بر پایه نیازها و ضرورت‌های جامعه ایرانی است، از جمله این‌که اصول قانون اساسی با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی، اصل کرامت، عزت و برابری انسان‌ها، لزوم حراست از دارایی‌ها و اموال آنان، انتخاب شغل، آزادی بیان، اندیشه، قلم و اجتماعات و... را به عنوان جلوه‌های مختلف حقوق شهروندی به رسمیت شناخته‌اند. به نظر می‌رسد قراردادن این مسائل به عنوان سرلوحه آموزش حقوق شهروندی می‌تواند تحولاتی در حیطه آموزش شهروندی بیافریند و الزاماتی حقوقی بیافریند که در چارچوب آن بتوان آموزش شهروندی را به شکلی تضمینی اجرا نمود. در همین زمینه توصیه می‌شود که نهادهای متشکله از قانون اساسی، از جمله منشور حقوق شهروندی می‌بایست ابعاد آموزشی حقوق شهروندی را به شکلی جدی مورد توجه قرار دهند و از ارائه برنامه‌ها و اصول غیر قابل اجرا بپرهیزند. بر همین اساس این انتقاد به منشور حقوق شهروندی وارد است که در زمینه آموزش شهروندان نتوانسته الزامی قانونی و یا اجرایی بیافریند و در حد بیان اصولی جدا از جامعه باقی مانده است. تضمینات حقوقی آموزش شهروندی در چارچوب نظام حقوقی ایران نیازمند به کارگیری اصول قانون اساسی در حیطه‌های کرامت انسانی، برابری، آزادی، امنیت و ایجاد اعتماد عمومی است و بی‌توجهی به آن می‌تواند مسأله آموزش شهروندی را با چالش رو به رو سازد. بدین‌معنا که هم مسأله آموزش و کیفیت آن و هم مسأله کرامت انسانی، عدالت انسانی، آزادی فردی و جمعی، حق بهره‌مندی از زندگی مطلوب انسانی و اجتماعی،

www.SID.ir

Archive of SID

امنیت و آزادی، اعتماد اجتماعی و فردی به عنوان محورهای شناخته‌شده حقوق شهروندی در نظر گرفته شده‌اند که می‌بایست در مدارس، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و تریبون‌های فرهنگی ـ مذهبی به شکل برجسته‌تری مورد توجه قرار گیرند.

بنابراین آموزش حقوق شهروندی در ایران می‌تواند با تکیه بر این ارزش‌های همگانی به ثمر بنشیند. علاوه بر این، رویکردهای قضایی که حامی حقوق شهروندی و برقراری دیدگاه عدالت محورانه نسبت به همه افراد سرزمین است، ضمانتی برای بسط و گسترش آموزه‌های حقوق شهروندی در نظر گرفته می‌شوند. جهت تضمین حقوقی آموزش شهروندی در ایران همچنان چالش‌هایی وجود دارند که در صورت بهره‌مندی از حمایت‌های دولتی و قضایی می‌توانند زمینه‌ساز بسط و گسترش حقوق شهروندی در نظر گرفته شوند، از جمله مستقل‌شدن نهادی مرتبط با حقوق شهروندی که بتواند آموزش شهروندی را به عنوان یک دغدغه جدی مورد توجه قرار دهد.

پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی نیز می‌باشد، از جمله این‌که در حیطه نظری چندان نتوانست با بهره‌گیری از منابع مختلف در حیطه شهروندی، مبنایی حقوقی برای آموزش شهروندی بیافریند، زیرا مقوله حقوق شهروندی در قانون اساسی وجود ندارد و تنها مؤلفه‌های آن قابل استخراج است، ضمن این‌که منشور حقوق شهروندی نیز مبنای حقوقی مستحکمی ندارد. از این رو اغلب تحقیقات انجام‌شده در حیطه بیان راه‌کار به صورت نظری باقی می‌مانند.

www.SID.ir

Archive of SID

References

1. Armand M. Frome Education to Education; An analysis of the Concept of education. *Journal Soreh* 2011; 1(56): 63-68.

2. Sharm Y. Fundamental Aspects of Educational Technology. New Delhi: Publisher Kanishka; 2002.

3. Gay M. Citizenship in Thoughts Historic West. Translated by Bagheri A. Tehran: Publisher Farzan Rooz; 2012.

4. Bosniak L. The Citizen and the Alien: Dilemmas of Contemporary Membershi. Princeton: Publisher Princeton University Press; 2008.

5. The Holly Quran. Tin: 4; Baghareh: 30; Hojarat: 70; Anaam: 152; Hejr: 29.

6. Mousavi Lari M. The mission of ethics in human evolution. Qom: Publisher Boostan Book; 2007.

7. Naseh AA, Asadi M. Antropology in the thought of Imam Khomein (R). *Matin Journal* 2016; 18(71): 129-143.

8. Tavasoli Roknabadi M, Nouri M. History Sociology Lack of formation of Citizenship rights in Contemporary Iranian political discourses. *Journal Islamic Studies* 2016; 31(8): 1-24.

9. Khanlari AR. Collection of rules and regulations of civil rights. Qom: Publisher Negin; 2005.

10. Levin L. Questions and answers about human rights. Translated by Pouyandeh MJ. Tehran: Publisher Ghatreh; 1998.

11. Valas R. International Law. Tehran: Publisher Shahre Danesh; 2003.

12. Habibzadeh MJ, Rahimineghad E. Human diginity in Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Journal olom Ensani* 2006; 11(4): 51-82.

13. Jaafari MT. The universal System of Human Rights. Tehran: Publisher Office of international Legal Services of the Islamic Republic of Iran; 2001.

14. Habibzadeh T, Farajpoor AA. Human dignity and the basis of human rights and Citizenship Contained in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Studies Public Law* 2016; 4(46): 825-854.

15. Sajjadi J. Culture of Islamic Knowledge. Tehran: Publisher Translators Iran; 1983.

16. Nafisi AA. Nafisi Cultural. Tehran: Publisher Sadra; 1973.

17. Motahari M. Justice of God. Tehran: Publisher Sadra; 1963.

18. Farabi M. Thoughts of the people of Medina. Translated by Sajjadi J. Tehran: Publisher Tabe and Nashr; 2000.

19. Motahari M. Perfect Human. Qom: Publisher Sadra; 2001.

20. Majlesi MB. Bahar al-Anvar. Beirut: Publisher Daralehya al-Teras al-Arabia; 1999.

21. Yazdan Fam M. Soft Security and why it is important. *Quarterly Journal of Strategic Studies* 2009; 45(12): 109-134.

22. Hashemi M. Human rights and Fundamental Freedoms. Tehran: Publiser Mizan; 2005.

23. Khosravi H. Basic rights. Tehran: Publisher Payam Noor; 2009.

24. Ziazi H, Ebrahimi Manesh M. The Right to Liberty and Security in international in international human rights instruments and Iranian law: A look at the legal innovations of Criminal procedure. *Comparative Law Studies* 2013; 1(5): 171-190.

25. Nateghpoor MJ. A Study of Social Capital and the factors. Affecting its formation in Tehran. *Journal Socialogy Iran* 2005; 4(6): 59-91.

26. Chalapi M. Sociology of Order. Tehran: Publisher Ney; 2010.

27. Kelman J. Social Theory Foundation. Translated by Sabouri M. Tehran: Publisher Ney; 2011.

28. Hajiani E. A Methodological framework for assessing the sense of Security. Tehran: Publisher Social Assistance NAJA. 2005.

29. Norouzi F, Foladi Sepehr S. Examining women's Sense of Security. *Journal of Strategic* 2009; 18(56): 129-159.

30. Ztomka PT. A Sociological Theory. Translated by Golabi F. Tabriz: Publisher Motarjem; 2005.

www.SID.ir